

تبیین ساختار هندسی خطبه‌های سه‌گانه غدیر با استفاده از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای*

[محمد عترت دوست^۱ / فتحیه فتاحی زاده^۲ /
سیده زینب حسینی زاده^۳ / محمد رضایی مقدم^۴]

چکیده

خطبه غدیریکی از مهم‌ترین سخنرانی‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در میان جمع کثیری از مسلمانان در سال دهم هجرت ایراد گشته و حاوی پیام‌های بسیار مهمی در رابطه با ماهیت حقیقی دین اسلام و ارکان اصلی آن از جمله امامت و ولایت است. بررسی دقیق محتوای این خطبه که به صورت سه نقل متفاوت گزارش شده، جهت دستیابی به محتوای کامل فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نیازمند بهره‌گیری از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای متن‌محور و معتبری است که قابلیت تجزیه دقیق متون و ترسیم الگوی کلی متن را داشته باشد. در این پژوهش با

* تاریخ دریافت مقاله: (۹۸/۰۶/۳۱)، تاریخ پذیرش: (۹۸/۰۹/۱۵).

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران
Etratdoost@sru.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء ع.ا.ه.، تهران، ایران
f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء ع.ا.ه.، تهران، ایران
zhosseini@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق ع.ا.ه.، تهران، ایران
rezaieo133@gmail.com

بهره‌گیری از روش «تحلیل محتوا»، تلاش شده ابتدا هرکدام از سه متن گزارش شده، جداگانه تحلیل شود و سپس با استفاده از تکنیک «تحلیل محتوای مقوله‌ای»، ساختار هندسی هرکدام به جهت مقایسه تطبیقی با یکدیگر ترسیم گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این سه گزارش با وجود اختلافات اندک، شباهت‌های محتوایی بسیاری دارد و بر مضامین و مقوله‌های خاص و ثابتی تأکید دارد و این قابلیت را ایجاد می‌کند تا ساختار هندسی آنها با یکدیگر ادغام شوند. بی‌شک نتایج این تحقیق، زمینه‌ی اثبات اصالت و اعتبار هر سه خطبه را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: خطبه غدیر، ولایت امام علی علیه السلام، روش تحلیل محتوا، تحلیل مقوله‌ای، ساختار هندسی.

طرح مسئله

خطبه غدیر، سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری است که عبارت معروف «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» به عنوان حدیث غدیر از آن برداشت شده است. این خطبه را به سبب نقل در مصادر فریقین، متواتر دانسته‌اند؛^۱ به عنوان نمونه ابن حجر عسقلانی در خصوص تواتر این حدیث می‌گوید:

حدیث «من كنت مولاة فعلي مولاة» فقد أخرجه الترمذي والنسائي و هو كثير الطرق جداً وقد استوعبها ابن عقدة في كتاب مفرد و كثير من أسانيدھا صحاح و حسان و قد روينا عن الإمام أحمد قال: ما بلغنا عن أحد من الصحابة ما بلغنا عن علي بن أبي طالب.^۲

ذهبی نیز می‌نویسد:

جمع طرق حدیث غدیر خم في أربعة أجزاء، رأيت شطره فبهزني سعة رواياته، و جزمت بوقوع ذلك.

[طبری] اسناد روایت غدیر خم را در چهار جلد جمع‌آوری کرده است که من قسمتی از آن را دیدم و از گستردگی روایات آن شگفت‌زده شدم و یقین کردم که این موضوع اتفاق افتاده است.^۳

ابوسعبد، مسعود بن ناصر سجستانی از علمای اهل سنت، در کتاب «الدرایة فی حدیث الولاية»، حدیث مشهور غدیر را از ۱۲۰ صحابی گزارش کرده است. طبری نیز این حدیث را از ۷۵ صحابی نقل کرده و احمد بن محمد بن سعید بن عقده هم ۱۰۵ طریق را گردآورده است.^۴

۱. رک: ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۱/۱۱۸؛ ابن ماجه، محمد، سنن، ۱/۴۵؛ ترمذی، محمد، سنن، ۵/۲۹۷؛ نسائی، احمد بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین، ص ۱۴-۹۴؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ۳/۱۰۹-۱۱۰.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، ۷/۶۱.

۳. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ۱۴/۲۷۷.

۴. ابن جبر، علی بن یوسف، نهج الایمان، ص ۱۱۳.

پژوهش‌های انجام‌شده درباره خطبه غدیر نشان می‌دهد که سه نوع ضبط کوتاه، متوسط و طولانی از این متن ارزشمند دینی وجود داشته^۱ که مقایسه تطبیقی آنها نشان می‌دهد، هرکدام نکات ارزشمند منحصر به فردی دارد. در منابع اهل سنت از اصطلاح «خطبه عظیمه» برای اشاره به خطبه غدیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از سفر حج سال دهم هجری استفاده شده است^۲ که نشان می‌دهد آن حضرت خطابه‌ای طولانی در آن روز ایراد فرموده‌اند، هرچند نقل کنونی خطبه طولانی، تنها در منابع مکتوب شیعی موجود است. با توجه به حوادث بی‌شماری که در طول تاریخ اسلام بر سرآثار حدیثی فریقین پیش آمده است، بی‌شک این مسئله نمی‌تواند منجر به رد اصالت این خطابه گردد؛ چراکه مؤیدات تاریخی فراوانی در تأیید اصل خطابه‌گویی و آن اجتماع عظیم وجود دارد. طبق پژوهش‌های انجام‌شده درباره خطبه غدیر، سه نوع ضبط از این خطبه وجود دارد که متن کوتاه آن در آثار فریقین یافت می‌شود،^۳ اما متون طولانی‌تر، تنها در مصادر مکتوب شیعی قابل دستیابی است.^۴

با توجه به گزارش‌های بیان‌شده، مسئله اصلی این پژوهش آن است که این متون سه‌گانه از چه ساختار کلامی و محتوایی‌ای برخوردار بوده و هرکدام بر چه مؤلفه‌هایی دلالت دارد؟ آیا این متون از همدیگر جدا بوده یا در اصل به یک متن واحد بازمی‌گردند؟

۱. رک: موحدی، محمدعلی، ناگفته‌هایی از اسناد خطبه غدیر، ص ۲۷-۳۱.

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ۵/ ۲۲۷.

۳. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر، المسترشد، ص ۴۶۵-۴۶۷؛ صدوق، محمد بن علی، خصال، ۶۱/۱-۶۲؛ طبرانی، سلیمان، معجم الکبیر، ۳/ ۱۷۹؛ ابن مغازلی، علی بن محمد، مناقب، ص ۴۳؛ رسی، قاسم بن ابراهیم، الکامل المنیر، ۲/ ۸۳-۹۰.

۴. رک: فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، ۱/ ۹۱-۹۹؛ ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، ۲/ ۲۴۵-۲۴۷؛ همو، التحصین، ص ۳۴۶-۳۶۰؛ همو، الیقین، ص ۵۷۸-۵۹۰؛ حلی، علی بن یوسف، العدد القویة، ص ۱۶۹-۱۸۳؛ ابن جبر، علی بن یوسف، همان، ص ۹۲-۱۱۲؛ رازی، محمد بن حسین، نزهة الکرام، ۱/ ۱۸۶-۲۰۰.

پیشینه تحقیق و وجه نوآوری پژوهش حاضر

اگرچه عالمان شیعه و اهل سنت در طول تاریخ، توجه ویژه‌ای به حدیث غدیر داشته و آثار فراوانی در این زمینه نگاشته‌اند، اما این پژوهش‌ها در مورد خطبه غدیر کمتر انجام شده است. امیرتقدمی معصومی در کتاب «نور الامیر فی تثبیت خطبة الغدیر»، برای عبارت‌های مختلف خطبه غدیر قرائن و مؤیداتی را از منابع اهل سنت ذکر می‌کند و با استشهاد هشت تن از صحابه و ده تن از اعلام اهل تسنن، به اثبات اصل خطبه‌گویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز مهم می‌پردازد.

محمدعلی مهدوی‌راد، نصرت نیل‌ساز و زهره بابااحمدی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری خطبه غدیر از قرآن کریم» به بررسی تجلی و وحی قرآنی در کلام نبوی پرداخته‌اند، ولی بیشتر بر سبک و چگونگی بیان مطالب تأکید دارند. کتاب «مروارید فضائل در صدف غدیر» نوشته حبیب عباسی هم به ارائه مؤیداتی از شیعه و اهل تسنن در باب فضائل حضرت امیر علیه السلام پرداخته است. کتاب «درسنامه خطبه غدیر» به قلم حبیب عباسی و اکبر روستایی، در قالب دوازده درس به بررسی فرازهای مهم خطبه پرداخته و به برخی شبهات پیرامون آن پاسخ داده است.

پایان‌نامه‌ای هم با عنوان «دراسة تحلیلیّة ادبیّة لخطبة الغدیر» به قلم طاهره طوبایی و راهنمایی سید محمد مهدی جعفری و آفرین زارع، در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه شیراز نگاشته شده است. در این پایان‌نامه صرفاً به تحلیل ادبی خطبه پرداخته شده است.

محمدباقر انصاری که آثار فراوانی با محوریت غدیر نگاشته است، در یکی از آثارش با عنوان «اسرار غدیر»، بدون پرداختن به مباحث سندی، برخی از مصادر خطبه غدیر را ذکر کرده و با مقابله متن‌ها و نسخ موجود از خطبه غدیر، متنی از این خطبه را استخراج کرده است. کتاب دیگری از همین نویسنده با عنوان «سخنرانی استثنایی غدیر» نگاشته شده و همان‌طور که در مقدمه یادآور شده، در صدد شرح و تفسیر فرازهای خطبه نبوده، بلکه قصد داشته یک سخنرانی استثنایی را موشکافی کند.

در خصوص اعتبارسنجی سند خطبه غدیر نیز کتابی با عنوان «ناگفته‌هایی از اسناد خطبه غدیر»، نوشته محمدعلی موحدی به چاپ رسیده است. این کتاب به بررسی‌های عمیق در باب اسناد خطبه غدیر و ردیابی آن در میان آثار فریقین پرداخته و علاوه بر سندشناسی، منبع بسیار مهمی در باب مصدرشناسی خطبه غدیر است. با توجه به تحقیقات انجام شده، مشاهده می‌شود که در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، متن اصلی خطبه مورد تجزیه و تحلیل علمی دقیق قرار نگرفته و ساختار هندسی و محتوایی ضبط‌های سه‌گانه آن بررسی نشده است. به همین دلیل در این پژوهش برآنیم تا با استفاده از تکنیک «تحلیل مقوله‌ای»، به عنوان یکی از تکنیک‌های روش «تحلیل محتوا»، به بررسی عمیق مفاهیم هر سه نوع ضبط خطبه غدیر بپردازیم و در نهایت، ساختار هندسی حاکم بر هرکدام از این نقل‌ها و الگوی جامع کل خطبه را به دست آوریم.

لازم به ذکر است که مؤلفین، پیش از این در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای خطبه غدیر با رویکرد لایه‌شناسی مضمونی» تلاش کرده‌اند تا وجوه اختلاف و میزان بهره‌گیری هرکدام از این سه ضبط مختلف را بررسی کرده و به نوعی، اصلی یا فرعی بودن هرکدام از این خطبه‌ها را تشخیص دهند.^۱ آن پژوهش با تکنیک «تحلیل مضمونی»^۲ و به منظور لایه‌شناسی متون و نوعی تجزیه میکروسکوپی^۳ انجام شده است، ولی مقاله حاضر با تکنیک «تحلیل مقوله‌ای»^۴ و به منظور ترسیم ساختار هندسی و نوعی ترکیب تلسکوپی^۵ نگاشته شده است. از این رو انتظار می‌رود که مخاطب، در امتداد همدیگر بودن این پژوهش‌ها و وجوه تفاوت میان آنها را در نظر داشته باشد.

۱. ر.ک: جانی‌پور، محمد و فتاحی‌زاده، فتحیه و حسینی‌زاده، سیده زینب، «تحلیل محتوای سه خطبه غدیر با رویکرد لایه‌شناسی مضمونی»، مطالعات فهم حدیث، ۸/ ۷۵-۱۰۳.

2. Thematic analysis

3. Microscope

4. Category analysis

5. Telescope

معرفی روش تحلیل محتوای مقوله‌ای

روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای جهت تبیین اندیشه‌های مطرح‌شده در یک متن است. در این روش با بهره‌گیری از قواعدی علمی، منتظم و قابل تعمیم، نتایج دقیقی از متن دریافت می‌شود. این روش با دو رویکرد کمی و کیفی اجرا می‌شود که هرکدام از آنها تکنیک‌های متعددی را شامل می‌شوند.^۱ البته به منظور تحلیل نصوص دینی، عمدتاً از دو تکنیک «تحلیل مضمونی» و «تحلیل مقوله‌ای» استفاده می‌شود.

رویکرد تحلیل مضمونی ناظر به جزئیات کمی و کیفی یک موضوع بوده و در تلاش است با استخراج مضامین اصلی و فرعی از قطعات متن، پیام‌های آن را کشف کند. در این تکنیک با استفاده از جدول تحلیل محتوا، هر متن یا سند به قطعات کوچک تقسیم می‌شود، مضامین آن استخراج می‌گردد و سپس با دسته‌بندی مضامین، مقوله‌های کلی متن شناسایی می‌شود. استفاده از تکنیک تحلیل مضمونی برای متون حدیثی و نصوصی که به صورت تاریخی گزارش شده‌اند، بسیار مناسب است؛ چراکه در این نصوص، امکان نقل به معنا، جابه‌جایی عبارات، حذف و اضافه و مواردی از این دست وجود دارد. لذا محقق می‌بایست بر مضامین استخراج‌شده از متن تأکید داشته باشد و با دسته‌بندی آنها و ساخت مقوله، به تحلیل آنها بپردازد.^۲

در تحلیل مقوله‌ای، بیشتر بر کلیات کمی و کیفی یک موضوع، که از دسته‌بندی مضامین به دست آمده، توجه می‌شود. در این روش تلاش می‌شود با کنارهم گذاشتن مقوله‌های یک متن و مقایسه آنها با یکدیگر، ساختار کلی و هندسی آن متن یا متون شناسایی شود و رابطه میان متون از این طریق تبیین گردد. به عبارت دیگر،

۱. رک: باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ص ۱۷۹-۲۶۸؛ رفیع‌پور، فرامرز، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۱۲-۱۴۲؛ محمدی‌مهر، غلامرضا، روش تحلیل محتوا، ص ۳۶-۵۳.

۲. رک: جانی‌پور، محمد، «کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم حدیث»، رهیافت‌هایی در قرآن و حدیث، ۹۸/۲۵-۵۳.

در تحلیل مضمونی، رابطه میان اجزای یک متن با یکدیگر مشخص می‌شود و در تحلیل مقوله‌ای، رابطه کلی میان متون مختلف با یکدیگر سنجیده می‌شود؛ در این نوع خاص از تحلیل، عمدتاً به نمادها و گزاره‌ها توجه شده و نقشه کلی حاکم بر متن بازسازی می‌شود.^۱

در این مقاله با توجه به پژوهش‌های پیشین مؤلفین و انجام فرایند تحلیل مضمونی، در گام دوم تلاش خواهد شد تا مقوله‌های استخراج شده از متون خطبه، برای کشف ساختار هندسی و شناسایی مقوله‌های کلی متن، مورد استفاده قرار گیرد.

اولین مرحله عملی در پیمایش روش تحلیل محتوا برای فهم و تحلیل دقیق متن، ترسیم جدول به منظور تجزیه متن به قطعات کوچک‌تر و استخراج کلیدواژگان و موضوع اصلی و موضوعات فرعی هر قطعه از متن است. سپس بر مبنای این جدول، به سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی هر متن و شناسایی مهم‌ترین آنها، به منظور دستیابی به پیام اصلی متن می‌پردازیم. بخش عمده‌ای از فرایند، با تکنیک تحلیل مضمونی انجام می‌شود، اما از آن‌جا که در این مقاله قصد داریم با تکنیک تحلیل مقوله‌ای، به ادامه فرایند پژوهش پرداخته و ساختار هندسی هر کدام از متون را به صورت مستقل بررسی کنیم، لذا از پرداختن به گام‌های نخستین خودداری کرده و صرفاً به بخش‌های مورد نظر این پژوهش اکتفا می‌کنیم.^۲

پس از درج جداول تحلیل و سنجش فراوانی کمی موضوعات اصلی، فهرستی از این موضوعات همراه با سنجش دقیق فراوانی آنها به دست می‌آید. نتایج این فهرست گامی برای ورود به تحلیل‌های کیفی می‌باشد. در فرایند تحلیل مضمونی،

۱. رک: جانی‌پور، محمد و شکرانی، رضا، «رهاورد‌های استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۲/ ۲۷-۵۷.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: حسینی‌زاده، سیده زینب، «تحلیل محتوای خطبه غدیر»، استاد راهنما: فتحیه فتاحی‌زاده، استاد مشاور: محمد عترت‌دوست (جانی‌پور)، دانشگاه الزهراء ع، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۵ ش، تمام اثر.

پس از سنجش فراوانی موضوعات اصلی، صرفاً به دنبال کشف و تبیین جزئیات و موضوعات فرعی مضامین دارای فراوانی بیشتر رفته و به تحلیل توصیفی و کیفی آنها می‌پردازیم. اما در تکنیک تحلیل مقوله‌ای، پس از سنجش فراوانی موضوعات اصلی، تلاش می‌شود تا به یک دسته‌بندی کلی و دقیق از مجموعه موضوعات اصلی دست یابیم و «مقوله»‌های تحقیق را ثبت کنیم.

در این فرایند لازم است در مواردی به ثبت عناوین جدید پرداخت و مجموعه‌ای از مضامین اصلی را ذیل یک عنوان جدید دیگر ثبت کرد که به آن «مقوله» گفته می‌شود. البته در مواردی نیز کثرت فراوانی یک موضوع اصلی، خود به عنوان یک «مقوله» ثبت می‌شود. در این صورت باید گفت که متن مورد تحلیل، از روایی بسیار بالایی برخوردار بوده و ابهامی در فهم مقوله‌های آن وجود ندارد. ولی واقعیت آن است که در تحلیل نصوص دینی، به دلیل پیچیدگی زبانی و محتوایی و نیز برخورداری از ویژگی‌های فرامتنی مثل گزارش‌های تاریخی، با ابهامات بسیاری در فهم ظاهری و اولیه مواجه هستیم. به همین دلیل، برای کشف مفاهیم آنها، به سراغ روش‌های تحقیق متن محور می‌رویم.

در فرایند تحلیل خطبه‌های سه‌گانه غدیر نیز در مواردی با کثرت مضامین اصلی مواجه بودیم که در نهایت ما را به این سمت سوق داد که مجموعه‌های منظم و یکسان را در قالب مقوله‌های جدید ثبت کنیم و از عناوین جدید برای ثبت مقوله استفاده نماییم.

تحلیل مقوله‌ای خطبه کوتاه غدیر

در تحلیل مقوله‌ای خطبه کوتاه غدیر به دلیل کوتاهی و اختصار و روایی بسیار بالای آن، نیازی به تغییر عنوان مضامین اصلی برای دستیابی به مقوله جدید وجود نداشته و از عناوین مضامین برای مقوله‌ها استفاده شده است. مقوله‌های خطبه کوتاه، همان جهت‌گیری‌های کلی مطرح شده در خطبه می‌باشد که در نمودار ذیل، همراه با ثبت فراوانی آنها ترسیم شده است:



نمودار ۱: مقوله‌های خطبه کوتاه غدیر

انتخاب مقوله‌ها از قواعد مشخصی تبعیت می‌کند. در انتخاب مقوله‌ها باید به هدف تحلیل توجه داشت؛ به گونه‌ای که دقیقاً مطابق با مضامین و موضوعات اصلی استخراج شده از متن باشد و در همان چارچوب ثبت شود. هم‌چنین در تعیین واحدهای ثبت جدید به عنوان مقوله نیز باید توجه داشت که تا حد امکان، از ادبیات ساختاری موضوعات اصلی تبعیت کرده و روح کلی حاکم بر متن را بازگو کنند. موضوع مورد توجه در خطبه کوتاه، شیوه ورود حضرت رسول ﷺ به بحث ولایت و جانشینی است. ایشان از همان ابتدای خطبه، با طرح پرسش و اقرارگیری از مردم، اهمیت مسئله را تبیین و حجت را بر آنان تمام می‌کند. سخنان پیامبر اکرم ﷺ در این خطبه را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

الف) تبیین عقاید

پیامبر اکرم ﷺ ابتدا به طرح بحث پیرامون توحید، نبوت و معاد و آموزش مجدد این مطالب می‌پردازند:

أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ
أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبُعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ!؟

به نظر می‌رسد طرح این مباحث برای آن است که مخاطبین توجه داشته باشند که لازمه اعتقاد به خدا و انبیای الهی و قیامت، پذیرش ولایت و اعتقاد به اصل امامت است و این اصول، زنجیروار به هم متصل هستند.

ب) اقرارگرفتن از مردم

اقرار گرفتن‌های پیامبر ﷺ در این خطبه دو بخش است: بخش اول در رابطه با عقایدی است که توضیح داده شد: «أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...». بخش دوم در رابطه با ولایت داشتن خدا و رسولش بر مردم است:

أَلَا وَإِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَأَنَا أَوْلَى
بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَهَلْ تُقْرُونَ لِي بِذَلِكَ وَتَشْهَدُونَ لِي بِهِ؟

هدف حضرت از این کار، اولاً جلب توجه بیشتر مخاطب به موضوع سخنرانی بوده تا این‌که اهمیت موضوع را دریابد، و ثانیاً اتمام حجت بر مردم، تا مبادا بعداً کسی اظهار بی‌اطلاعی یا کج‌فهمی کند.

نکته جالب این‌جا است که پیامبر اکرم ﷺ، حتی خداوند متعال را نیز بر اقرارهای مردم شاهد می‌گیرد: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ»؛ در حالی‌که خدای سبحان همیشه شاهد و ناظر است و آن حضرت به این امر آگاه می‌باشد؛ اما وی در این‌جا برای تأکید بیشتر بر مردم و این‌که متوجه باشند در روز قیامت باید در پیشگاه خداوند پاسخگوی این اقرارهایشان باشند، چنین فرموده‌اند.

ج) انذار مردم

در اثنای تبیین اصول عقاید و مسئله ولایت و معرفی ثقلین، پیامبر اکرم ﷺ مردم را انذار داده و به آنان هشدار می‌دهد که متوجه خطری بودن آن‌چه می‌گویند و آن‌چه بدان اقرار می‌کنند، باشند. این انذارها در سراسر خطبه پراکنده است:

وَ أَنِّي مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ... وَ أَنْتُمْ مَسْئُولُونَ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ
لِرَبِّكُمْ؟! «أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...؟!»، «أَلَا وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ
عَدَا مَا دَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدُ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا إِذَا وَرَدْتُمْ
عَلَيَّ حَوْضِي وَمَا دَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ
حَالَتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقَوْنِي».

د) تبیین جایگاه ثقلین

در این خطبه پیامبر ﷺ بارها بر موضوع ثقلین تأکید کرده و تلاش می‌کند تا جایگاه ولایت را به واسطه معرفی ثقلین نشان دهد. حضرت به اهمیت قرآن و حجت خدا به عنوان دو ثقل ارزشمند اشاره فرموده و این دو ثقل را به عنوان میراث رسول ﷺ برای مردم معرفی می‌کند:

أَلَا وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ عَدَاءً... وَمَا ذَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي فَأَنْظُرُوا
كَيْفَ تَكُونُونَ خَلَفْتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقَوْنِي.

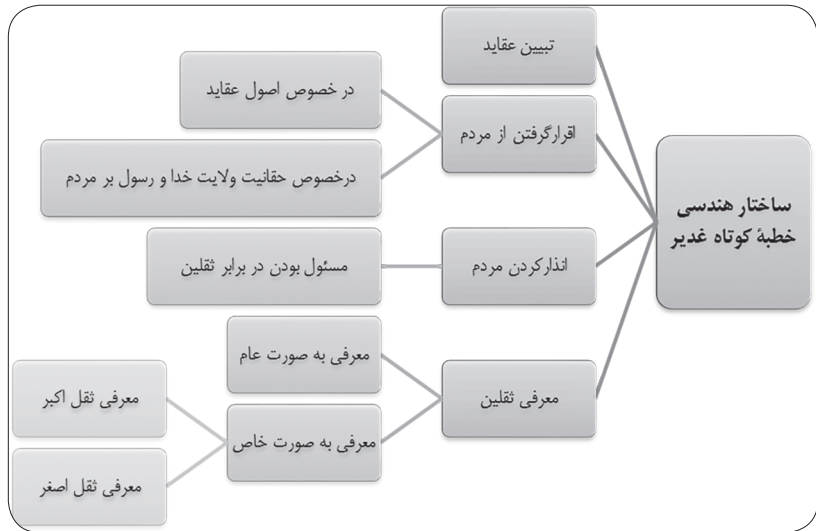
هم چنین می‌فرماید که هم رسول و هم مردم، در قبال این دو ثقل مسئول هستند:
وَإِنِّي مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ
وَ حُجَّتِهِ وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ.

نیز بیان می‌دارد که مردم برای هدایت یافتن، چاره‌ای جز تمسک به این دو میراث
گران بها نخواهند داشت:

أَمَّا الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَبَبَ مَمْدُودٍ مِنَ اللَّهِ وَ مِثِّي فِي
أَيْدِيكُمْ... وَأَمَّا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ حَلِيفُ الْقُرْآنِ وَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي
طَالِبٍ وَ عِزَّتُهُ ﷺ وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْصَ.

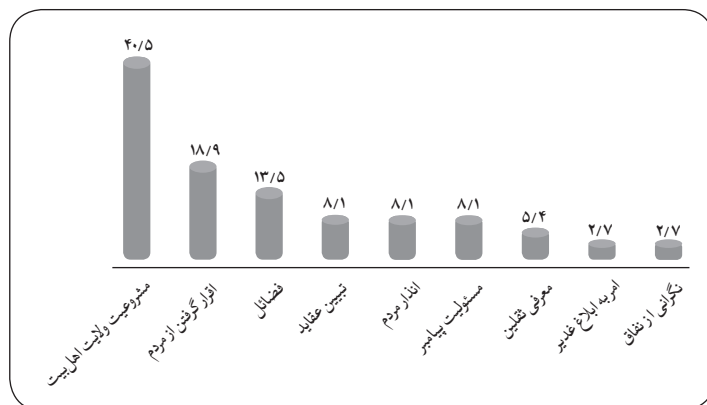
لذا با این فرموده‌ها، مشروعیت ولایت اهل بیت ﷺ و به طور خاص، حضرت
علی ﷺ را تبیین می‌فرماید.

روند منطقی ساختار خطبه کوتاه نشان می‌دهد که نقطه تمرکز و موضوع اصلی
خطبه، بحث ثقلین و اثبات مشروعیت ولایت است. منظور از معرفی ثقلین،
معرفی جایگاه ولایت و امامت در کنار قرآن کریم بوده و این بحث، از دیگر مباحث
اصول دین تفکیک شده است. بی‌شک با نگاهی کلی به خطبه، به دست می‌آید
که معرفی ثقلین و تبیین عقاید، هر دو یک اقدام مشترک و واحد هستند و در کنار
همدیگر، بیشترین فراوانی مقوله‌ای این خطبه را تشکیل می‌دهند. در نهایت با
توجه به آن چه گفته شد، نمودار کلی ساختار هندسی خطبه کوتاه غدیر را بدین
صورت می‌توان ترسیم کرد:



تحليل مقوله‌ای خطبه متوسط غدیر

در این بخش، ابتدا نگاهی به نتایج تحلیل مضمونی خطبه خواهیم داشت و نمودار فراوانی موضوعات اصلی ترسیم می‌گردد. در ادامه نیز به ترسیم تحلیل مقوله‌ای و کشف ساختار هندسی خطبه می‌پردازیم. نمودار زیر مهم‌ترین موضوعات اصلی به‌کاررفته در خطبه متوسط را نشان می‌دهد:



نمودار ۲: فراوانی موضوعات خطبه متوسط

محور سخن در خطبه متوسط، مشروعیت ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است و بیشترین

موضوعی که تکرار شده، همین مورد است. اقرارگرفتن از مردم، دومین موضوعی است که بیشترین بسامد تکرار را دارد. البته اگر به سیر منطقی فراوانی موضوعات نگریسته شود، این نکته به روشنی قابل اثبات است که روح حاکم بر تمام موضوعات، ولایت حضرت علی علیه السلام است؛ زیرا سومین موضوع، بحث فضائل اهل بیت علیهم السلام و به طور ویژه، حضرت علی علیه السلام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسئولیت خودشان در خصوص ابلاغ پیام غدیر سخن گفته و ثقلین را معرفی می‌فرماید. در خطبه متوسط نیز محورهای خطبه کوتاه دیده می‌شود؛ البته با تفاوت‌ها و تکمله‌هایی که در این بخش بیان خواهد شد. در حقیقت یکی از کاربردهای تبیین ساختار هندسی خطبه‌ها، تفکیک و تعیین تکمله‌ها و خلأهای هر خطبه از دیگر خطبه‌ها است. پنج محور اصلی بیان شده در خطبه متوسط، بدین شرح است:

الف) تبیین عقاید

در این خطبه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دو اصل اعتقادی توحید: «أَفْرُلَّهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدَ لَهُ بِالزُّبُودِيَّةِ» و نبوت: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ...» اشاره می‌فرماید. پیامبر با بیان این اصول تلاش داشته این نکته را گوشزد کند که تمام آنچه ابلاغ می‌شود، از ناحیه خداوند است و مردم باید به ارسال رسولان برای هدایت بشر، که سنت جاری خداوند بوده، ایمان داشته باشند و پیامبر را به عنوان خاتم پیامبران پذیرا باشند. ایشان در ادامه خطابه می‌فرماید که از عقاب خدا می‌ترسم اگر از انجام این مسئولیت سرباز زوم: «وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَدَارًا إِنْ لَمْ أَفْعَلْ أَنْ تَحِلَّ بِي [إِلَيَّ] قَارِعَةٌ».

لذا بر این امور تأکید می‌فرماید که مردم تمام فرمایشات ایشان را از جانب خداوند بدانند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ» و متوجه اهمیت این امر باشند که نباید پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، به دوران جاهلیتشان بازگردند و باید موضوع ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام را به عنوان یکی از رسالت‌ها و مسئولیت‌های این رسول الهی بنگرند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى».

ب) اقرارگرفتن از مردم

در این خطبه، دو مرتبه پیامبر اکرم ﷺ از مردم اقرار می‌گیرد: یک بار در هنگامه اعلان ولایت در خصوص معرفی ولایت خدا و رسول ﷺ: «أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ». سپس در ادامه، بحث ولایت حضرت علی علیه السلام را بیان می‌کند تا به مردم بفهماند حضرت علی علیه السلام هم، نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ زیرا این فرمان خدا و رسولی است که اولویتشان از طرف خود مردم تأیید شده است: «أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ». بار دوم پس از اعلان ولایت حضرت امیر علیه السلام است که صراحتاً به مردم می‌فرماید از جانب خداوند مأموریت دارند برای ولایت حضرت علی علیه السلام و امامان بعد از ایشان از مردم اقرار بگیرند:

قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُمْ الْإِمْرَةَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَمَنْ جَاءَ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ ...

سپس از مردم می‌خواهد با حضرت علی به عنوان جانشین رسول بیعت کنند و با ایشان مصافحه کنند و با تمام وجودشان به ولایت ایشان و بیعتشان پایبند باشند:

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِطَاعِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ مُصَافَحَتِي عَلَىٰ بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارَ لَهُ بِوَلَايَتِهِ ... فَقُولُوا سَامِعِينَ مُطِيعِينَ رَاضِينَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّكَ ثُبَايِعَكَ عَلَىٰ ذَلِكَ قُلُوبُنَا وَ أَلْسِنَتُنَا وَ أَيْدِينَا عَلَىٰ ذَلِكَ نَحْيَىٰ وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ لَا نَعْتَرُ وَلَا نُبَدِّلُ وَلَا نَشْكُ وَلَا نَرْتَابُ.

ج) انذار مردم

در این خطبه، پیامبر ﷺ در سه موضع مختلف مردم را انذار فرموده است. این اندازها در اواسط خطبه و بخش‌های پایانی است که در لابه لای طرح مسئله مشروعیت بیان شده‌اند و مردم را از عهدشکنی در خصوص ولایت بر حذر داشته‌اند:

فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.

د) نگرانی از نفاق

نفاق نیز یکی از موضوعات مطرح شده در خطبه متوسط می باشد. البته عباراتی که در مورد نفاق، در ضبط خطبه متوسط به کار رفته، افتادگی دارد و ارتباط معنایی عبارات کامل نیست. با مراجعه به متن طولانی خطبه، مفهوم دقیق تر عبارات روشن می شود. در هر حال، ذکر این عبارات، حاکی از نگرانی پیامبر و پررنگی این مسئله در سخنرانی ایشان است. به همین علت راوی خطبه متوسط، با این که قصد اختصارگویی داشته، تلاش کرده این قسمت از فرمایشات حضرت را نیز نقل کند. در قسمت خطبه طولانی، متن کامل تر فرمایش حضرت مشاهده می شود و ابهام مفهومی موجود در این عبارات برطرف می شود.

ه) تبیین جایگاه ولایت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تبیین جایگاه حضرت علی علیه السلام، دو هدف را دنبال می کند:

۱. تبیین مشروعیت ولایت: پیامبر برای بیان مشروعیت ولایت حضرت علی علیه السلام، بر الهی بودن این امر تأکید می کند و بیان می دارد که این فرمان را از طرف خداوند، با نزول چند باره جبرئیل دریافت کرده است:

إِنَّ جِبْرِيْلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا أَقْرَأَنِي عَنِ اللَّهِ السَّلَامَ [أَمْرَنِي عَنِ السَّلَامِ] أَنْ أَقُولَ فِي الْمَشْهَدِ وَأَعْلِمَ الْأَبْيَضَ وَالْأَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ بَعْدِي.

همین الهی بودن ولایت، برای لزوم تبعیت از ایشان کفایت می کند. از این رو حضرت تأکید می فرماید که همگان باید مطیع ایشان باشند:

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ [مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ] عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى الثَّابِعِينَ وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَعَلَى الْخُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَعَلَى الْكَبِيرِ وَالصَّغِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ.

هم چنین حضرت به هم عدل بودن اهل بیت علیهم السلام با قرآن اشاره می فرماید و این که

هدایت با تمسک به این دو (ثقلین) در کنار هم میسر است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي مَنْ صُلِبَ مِنْهُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ
وَالْقُرْآنَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.

سپس بیان می‌دارد که برای تدبیر و فهم قرآن، مسیری جز حضرت علی علیه السلام وجود ندارد:

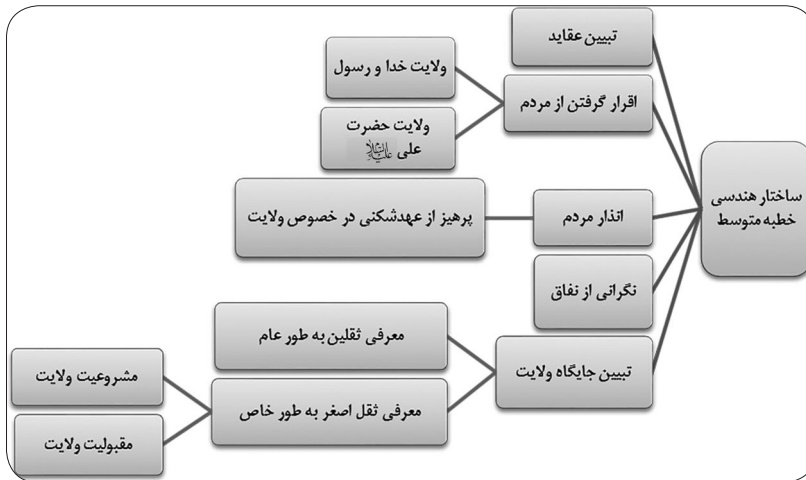
مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ وَمُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا
مُتَشَابِهَهُ فَوَاللَّهِ لَا يُوضِحُ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَرَافِعُهَا
بِيَدِي.

۲. تبیین مقبولیت ولایت: پیامبر در این خطبه شریف، علاوه بر تأکید بر الهی بودن امر ولایت، به تبیین فضائل حضرت و از طریق آن، اثبات مقبولیت ایشان در امر وصایت می‌پردازد. در این خطبه، به پاره‌ای از فضائل حضرت امیر از جمله مسلوک بودن نور خدا در وجود ایشان و اهل بیت علیهم السلام: «أَنْزَلَ اللَّهُ التُّورَ فِيَّ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ»، مخاطب آیات مدح قرآن بودن: «وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ خَاطَبَ اللَّهُ بِهَا الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا بَدَأَ بِه...»، سبب نزول سوره عصر: «وَفِي عَلِيٍّ نَزَلَتْ وَالْعَصْرِ وَتَفْسِيرُهَا»، داشتن ذریه مشترک با پیامبر و این که جانشینان و فرزندان پیامبر، از صلب حضرت علی علیه السلام هستند: «ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ» و موصوف بودن ایشان به صبر و شکر: «أَلَا إِنَّ عَلِيًّا الْمَوْصُوفَ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ مَنْ بَعْدَهُ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ» اشاره شده است.

با توجه به توضیحات بالا، در خطبه متوسط، به معرفی ثقلین به طور عام کمتر پرداخته شده، اما روی ثقل اصغر که همان حجت خدا و امام می‌باشد، تمرکز بیشتری شده و در ذیل آن، دو عنوان مشروعیت و مقبولیت نیز بیان شده است. موارد معرفی ثقلین به طور عام، به شرح ذیل است:

مضامین	مقوله
<p>حضرت علی <small>علیه السلام</small> و فرزندان پیامبر از صلب حضرت علی <small>علیه السلام</small>، ثقل اصغر هستند.</p> <p>امامان معصوم از نسل حضرت علی <small>علیه السلام</small> و پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> هستند.</p> <p>تنها پاکان از نسل پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و حضرت علی <small>علیه السلام</small> ثقل اصغر خواهند بود و صرف انتساب به پیامبر، ارزش آفرین نیست، بلکه باید طیب بود.</p> <p>قرآن ثقل اکبر است.</p> <p>قرآن و عترت، تا قیامت با هم هستند.</p> <p>قرآن و عترت با هم، اسباب هدایت انسان را فراهم می‌کنند.</p> <p>هیچ‌گاه زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود؛ زیرا این دو ثقل تا قیامت از هم جدا نمی‌شوند.</p>	<p>معرفی ثقلین به صورت عام</p>

در نهایت ساختار هندسی خطبه متوسط را بدین صورت می‌توان ترسیم کرد:

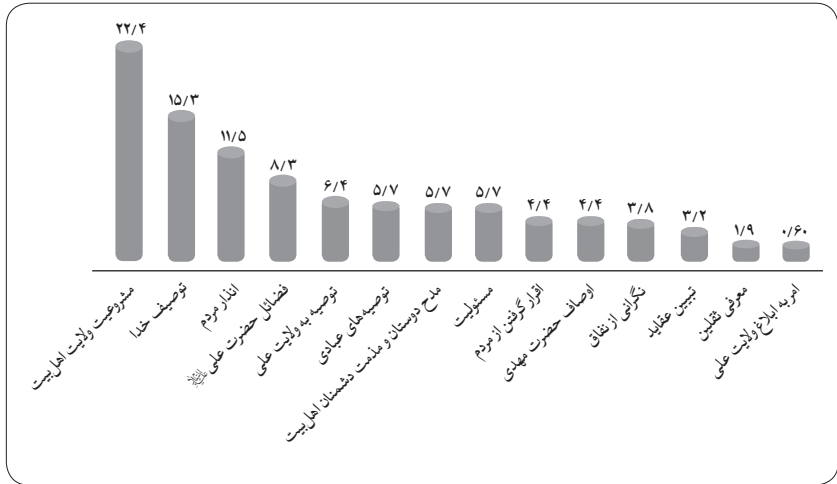


تحلیل مقوله‌ای خطبه طولانی غدیر

در این بخش، همانند خطبه متوسط، ابتدا نمودار فراوانی موضوعات اصلی خطبه طولانی درج شده، تا بهتر بتوانیم پیرامون موضوعات و ساختار هندسی این خطبه بحث کنیم و با مقایسه آن، تفاوت‌ها و مشابهت‌های این خطبه با دیگر خطبه‌ها را شناسایی نماییم.

بررسی فراوانی موضوعات اصلی خطبه طولانی نشان می‌دهد که محور بودن ولایت حضرت علی علیه السلام موضوعی است که در تمامی ضابط‌های مانده از خطبه غدیر،

پرزنگ و برجسته است. لذا روشن است که اولین و محوری ترین موضوع پرتکرار در سومین خطبه هم، مسئله مشروعیت ولایت حضرت امیر علیه السلام است. نمودار فراوانی موضوعات اصلی خطبه طولانی بدین شرح است:



نمودار ۳: فراوانی موضوعات اصلی خطبه طولانی

در این خطبه شریف، موضوعات مهمی بیان شده است که برخی از آنها مشابه خطبه‌های پیشین و برخی نیز متفاوت می‌باشد. در ادامه، به این موضوعات می‌پردازیم، ولی به جهت رعایت اختصار در حجم مقاله، مباحث مشترک با خطبه کوتاه و متوسط توضیح داده نشده است:

الف) تبیین عقاید

ب) اقرارگرفتن از مردم

ج) انذار مردم

تمامی اندازهای پیامبر در خطبه طولانی غدیر، به موضوع ولایت بازمی‌گردد؛ به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

انذار در مورد این‌که مخالفت با امام علی علیه السلام، آتش جهنم را در پی دارد:

فَاخَذُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَضَلُّوا نَارًا ﴿وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾.

مخالف ایشان کافرو ملعون و مغضوب درگاه خداوند است:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُؤَافِقْهُ.

شک در ولایت ائمه، شک در تمام رسالت پیامبر است:

وَمَنْ شَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَ فِي الْكُلِّ مِنْهُ وَالشَّاكُّ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ.

هم چنین انذار در خصوص حسدنداشتن به حضرت امیر علیه السلام و اشاره به داستان حضرت آدم و ابلیس:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ... .

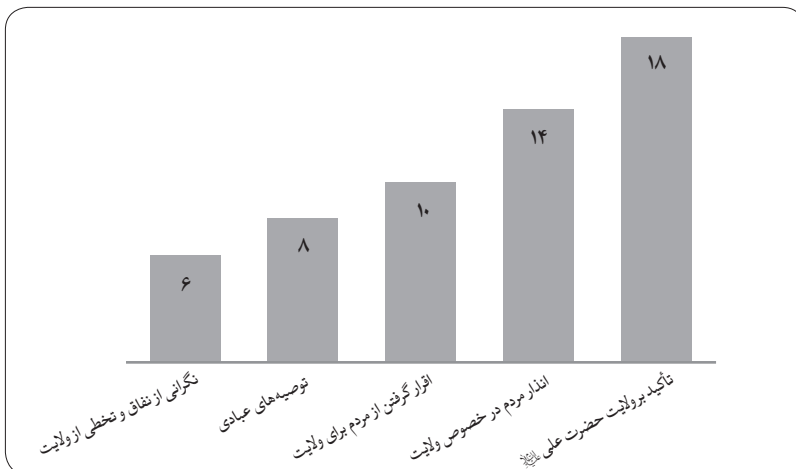
انذار در خصوص غاصبان خلافت و فتنه‌های پس از وفات ایشان:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ ﴿فِي الدَّرَكِ الْأَعْسَلِ مِنَ النَّارِ﴾ وَ ﴿لَيْسَ مَتْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ إِلَّا أءَنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرُوا أَحَدَكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ.

و موارد متعدد دیگر.

بررسی انذارها نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از اثبات مشروعیت ولایت امام علی علیه السلام، در هر مرحله از سخنرانی، مردم را انذار داده که از مخالفت با ایشان پرهیز کنند. در نمودار زیر، مواردی که در آن صرفاً مباحث مشروعیت و انذار مطرح شده، به طور مجزا آورده شده است:

ساختار کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان مشروعیت ولایت حضرت علی علیه السلام



همان طور که در نمودار پیشین مشاهده می‌شود، در کل خطبه ارتباط تنگاتنگی میان بیان این دو موضوع برقرار است. این نوع انذار دادن نشان می‌دهد که پیامبر تا چه اندازه از مخالفت آنها با ولایت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیم داشته که در سرتاسر خطابه خویش، مردم را از مخالفت با ایشان منع کرده است. ضمن این که خطر نفاق را هم به صورت هدفمند، در اول و وسط خطابه گوشزد کرده است.

د) نگرانی از نفاق

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دو موضع به مسئله نفاق اشاره کرده است؛ دفعه اول هم‌زمان با شروع بحث مشروعیت و اعلان ولایت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است که می‌فرماید، به علت آگاهی از کثرت منافقان و مخالفان، از جبرئیل درخواست کرده‌ام که مرا از تبلیغ این امر معاف بدارد:

وَسَأَلْتُ جِبْرِيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعَلَّمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِذْعَالِ الْأَثِيمِينَ وَخَثْلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ.

دفعه دوم در اثنای خطابه و در جایی است که بیشترین انذار را بیان فرموده‌اند که نشان از نگرانی عمیق پیامبر در مورد ابتلای امت به این مسئله دارد:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَيْمَةٌ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ.

ه) بیان اوصاف حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَجْعَةَ الشَّرِيفِ

یکی دیگر از مسائل قابل توجه در خطبه طولانی، تصریح به نام آخرین امام و مسئله قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَجْعَةَ الشَّرِيفِ و منجی بودن و منتقم بودن و نتایج مهم قیام ایشان است:

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيَّمَةِ مِمَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ... أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ...
أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا وَانَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

موقعیت مکانی این بخش از خطبه، قابل توجه و تأمل است. بعد از این که

پیامبر ﷺ، فضائل امیرمؤمنان علیؑ و مشروعیت و مقبولیت ایشان را تبیین فرمودند، به بیان اوصافی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح پرداختند. گویی موضوع مهدویت، حسن ختام فرمایشات ایشان در مورد ولایت اهل بیت علیؑ است که بعد از تبیین امر ولایت حضرت علیؑ و بیان تمام جزئیات و تشریح ابعاد مسئله، در خصوص آخرین سلسله این شجره طیبه صحبت می فرماید و تقریباً بعد از این قسمت، توصیه های عبادی حضرت شروع می شود.

و) توصیه های عبادی

حضرت در این خطبه شریف، علاوه بر اصول عقاید، توصیه های عبادی هم به مردم دارند؛ از جمله به نماز و زکات: «أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» و حج: «مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتِ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنَوْا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا...» اشاره می فرماید و بر روی موضوع امر به معروف و نهی از منکر هم تأکید می کند: «وَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ».

اما جالب است که نوع بیان این موارد و جایگاهشان در کلام حضرت، پیرامون معرفی ولایت حضرت علیؑ می چرخد؛ زیرا تمام این توصیه ها را بعد از اعلان ولایت حضرت امیر علیؑ و بعد از توصیه به بیعت با ایشان، در اواخر خطبه بیان کرده اند و این که در دل همین توصیه ها هم اشاره هایی به مسئله ولایت وجود دارد؛ مثلاً می فرمایند که رأس امر به معروف، ابلاغ ولایت حضرت علیؑ و اعتقاد به ولایت ایشان است و اقامه امر به معروف، تنها با همراهی امام معصوم به دست می آید:

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَيَّ قَوْلِي وَ تَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوُهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِثِّي وَ لَا أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

ز) تبیین جایگاه ولایت

محوری ترین موضوعی که در خطبه طولانی قابل ذکر است، موضوع ولایت و تبیین

این اصل اسلامی است. به نظر می‌رسد هدف اصلی حضرت رسول ﷺ برای تبیین این موضوع و تأکید بسیار بر آن، تبیین موضوع مشروعیت و مقبولیت ولایت امام علی علیه السلام باشد تا بدین وسیله، زمینه‌های پذیرش ولایت ایشان را برای مردم و جامعه اسلامی فراهم آورد. به عبارت دیگر، برای رسیدن به قدرت و حکومت در جامعه اسلامی، که از جمله مناصب ویژه و خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام است، دواصل اساسی نیاز می‌باشد: وجود مشروعیت از جانب خداوند متعال و وجود مقبولیت در جامعه اسلامی.

۱. مشروعیت ولایت: در قسمت مشروعیت ولایت، به الهی بودن این امر با تعابیر مختلف تأکید شده است:

«فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ»، نزول سه باره جبرئیل برای تأکید بر اهمیت ابلاغ این موضوع:

إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَام هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَهُوَ السَّلَامُ
أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَيْضٍ وَأَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي
طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي.

آیه تبلیغ، آیه ولایت، آیه اکمال، جنب‌الله بودن حضرت امیر علیه السلام: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ»، مفسر و مبین بودن اهل بیت علیهم السلام: «فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِّحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا أَخِذٌ بِيَدِهِ»، اختصاصی بودن لقب امیرالمؤمنین علیه السلام: «أَلَا أَنَّهُ لَيْسَ "أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ" غَيْرَ أَخِي هَذَا»، حرام بودن خلافت برای غیر امام علی علیه السلام: «وَلَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَخِي غَيْرِهِ»، علم کامل و الهی حضرت علی علیه السلام: «وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ»، اکمال دین با ولایت حضرت علی علیه السلام:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ
وَ نَصِييَ إِبَاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ
وَرَضِيْتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

مسلوک بودن نور خداوند در وجود اهل بیت علیهم السلام:

مَعَاشِرَ النَّاسِ الثُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكِ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي
النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ.

صراط مستقیم بودن پیامبر و ائمه علیهم السلام:

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ
بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

استناد به آیات فراوانی از قرآن برای اثبات الهی بودن ولایت حضرت علی علیه السلام، و
اشاره به جایگاه والای امام حسن و امام حسین علیهم السلام نزد خداوند:

... وَإِنَّهُمَا سَيِّدَا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَ
أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ.

از جمله مواردی است که تبیین کننده مشروعیت امام علی علیه السلام، برای خلافت و
حکومت بر جامعه اسلامی از طرف خداوند متعال است.

۲. مقبولیت ولایت: پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر اثبات الهی بودن ولایت حضرت
امیر علیه السلام، به مقبولیت اجتماعی و مردمی ایشان هم عنایت دارد و برای این
هدف، به فضائل حضرت اشاره می فرماید؛ به عنوان نمونه می توان به موارد
ذیل اشاره کرد:

حدیث منزلت:

الَّذِي مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ
وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

اشاره به ماجرای لیلۃ المبیت:

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَهُوَ الَّذِي فَدَى رَسُولَهُ بِنَفْسِهِ.

بی شمار بودن فضایل حضرت در قرآن:

إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي
الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ.

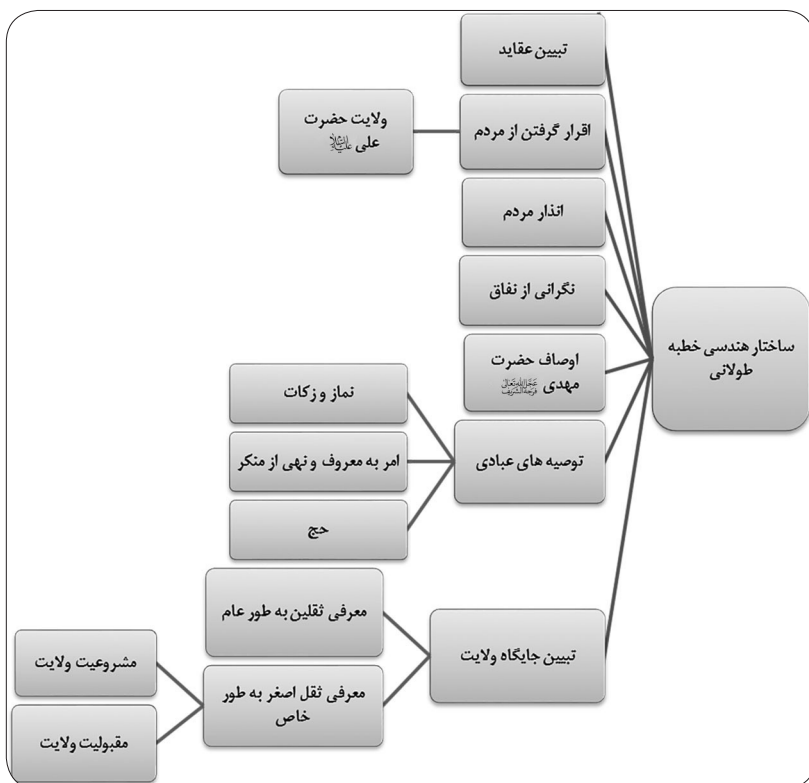
نزول تمام آیات مدح درباره حضرت:

وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ وَ مَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ وَ

لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ وَلَا شَهَادَ بِالْحَجَّةِ فِي «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» إِلَّا لَهُ وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدْحَ بِهَا غَيْرَهُ.

نزول آیات خاص دیگر و سوره‌هایی مثل حمد و انسان و عصر درباره حضرت، اشاره به اولین نمازگزار و اولین مؤمن و ملازم و یاور رسول: «إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»، هدایتگری حضرت و ناهی بودن وی از باطل، از بین برنده دشمنان خدا: «وَقَاتِلِ الْتَّاكِبِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ»، برادری با رسول: «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي» و داشتن ذریه مشترک با پیامبر و این که امامان و فرزندان پیامبر از صلب حضرت علی علیه السلام هستند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ».

نموداری که در ادامه ترسیم شده، ساختار کلی خطبه طولانی را نشان می‌دهد:



نتیجه‌گیری

در این مقاله از تکنیک «تحلیل محتوای مقوله‌ای»، برای کشف ساختار هندسی سه خطبه باقی‌مانده از سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر استفاده شده است. برای این پژوهش، سه نقل ضبط‌شده از خطبه غدیر در جدول‌های تحلیل محتوا به صورت جداگانه بررسی شده و پس از استخراج موضوعات اصلی و فرعی و شناسایی مضامین هر قطعه از متن، مقوله‌های خاص هر خطبه ترسیم شده است. در گام سوم با استفاده از تکنیک تحلیل مقوله‌ای، ساختار هندسی هر خطبه ترسیم شده و در انتهای این بخش، مدلی پیشنهادی و احتمالی برای تجمیع محتوای هر سه خطبه ارائه شده است. بررسی ساختار هندسی این سه خطبه نشان می‌دهد که هر کدام از این خطابه‌ها به رغم مشابهت‌های فراوان و برخورداری از یک ساختار و نظم منطقی ثابت، ویژگی‌هایی خاص خود را دارد. به طور کلی می‌توان محورهای این سه خطبه را به دو بخش تقسیم کرد: (۱) مواردی که بین تمام خطبه‌ها مشترک است؛ (۲) موارد خاص خطبه طولانی.

موارد مشترک تمام خطبه‌ها چهار محور: تبیین عقاید، اقرارگرفتن از مردم، اندازار و تبیین ولایت را شامل می‌شود که بررسی جزئیات این موضوعات در سه حجم خطبه، نتایج جالبی را به دست می‌دهد:

۱. موضوع تبیین عقاید: در خطبه کوتاه و طولانی به سه اصل توحید و معاد و نبوت اشاره شده است، در حالی که در خطبه متوسط بحث معاد نیامده است. تفاوت دیگر این که در خطبه کوتاه، این عقاید به شیوه اقراری برای مردم تبیین گشته است، در حالی که در خطبه متوسط و طولانی، این‌گونه تبیین نشده است.

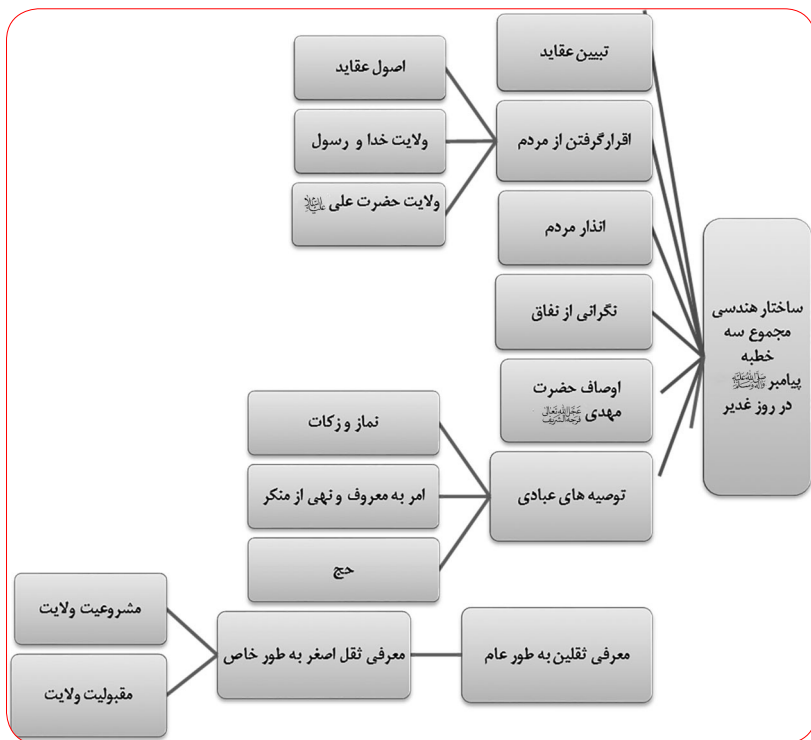
۲. موضوع اقرارگرفتن از مردم: اقرارها در خطبه کوتاه و متوسط، در دو موضع میانی و پایانی کلام آمده است، اما در خطبه طولانی فقط در موضع پایانی کلام

واقع شده است. در خطبه کوتاه، موضوع اقرارها به اصول عقاید بازمی‌گردد و در موضوع ولایت، تنها اقرار به ولایت خدا و رسول ﷺ مطرح شده است، در حالی که در خطبه متوسط، اقرار به اصول عقاید نیامده و فقط اقرار به ولایت خدا و رسول و اقرار به ولایت حضرت علی علیه السلام نقل شده و در خطبه طولانی نیز تنها اقرارهای مربوط به ولایت حضرت علی علیه السلام بیان شده است. شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که صرف نظر از موقعیت بیان اقرارها در سخنرانی غدیر، پیامبر در مواضعی از خطابه خویش، اقرارهایی در خصوص اصول عقاید (توحید، معاد، نبوت)، ولایت خداوند، ولایت پیامبر و ولایت حضرت علی علیه السلام از مردم گرفته باشد.

۳. موضوع اندازها: در خطبه کوتاه، اندازها همان سیر منطقی خطبه طولانی را دارد و در سرتاسر فرمایش حضرت، ساری و جاری است و با این که حجم بسیار کمی دارد، ولی از حیث تناسب، شباهت بیشتری از خطبه متوسط به خطبه طولانی دارد. لذا به نظر می‌رسد در این موضوع، خطبه متوسط دچار افتادگی باشد، اما خطبه کوتاه گویی چکیده و عصاره خطبه طولانی است و راوی قصد داشته اهم فرمایشات حضرت را در عین اختصار بیان کند.

۴. موضوع تبیین ولایت: در بحث تبیین ولایت در خطبه کوتاه، موضوع ثقلین و هم‌عدل بودن اهل بیت علیهم السلام و قرآن، به همراه عبارت معروف «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، گویای ولایت حضرت علی علیه السلام است. در خطبه متوسط و طولانی، علاوه بر ثقلین به طور عام، به طور ویژه به ثقل اصغر پرداخته شده و مسئله ولایت در دو بُعد مشروعیت و مقبولیت به خوبی تشریح شده است. این مسئله در خطبه طولانی، نسبت به خطبه متوسط، به ویژه در بحث مقبولیت، پررنگ‌تر است.

ادغام مقوله‌های این سه خطبه می‌تواند ما را به مدل جامع‌تری برساند که تبیین‌کننده صحت و اصالت و اعتبار متن هر سه خطبه است:



فهرست منابع

۱۲۶

کتاب‌ها

ابن جریر، زین الدین علی بن یوسف، نهج الایمان، تحقیق: سید احمد حسینی، امام هادی علیه السلام، مشهد، ۱۴۱۸ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، دار المعرفه، بیروت.

ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، دار صار، بیروت.

ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش.

-----، التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، تحقیق: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، دارالکتاب، قم، ۱۴۱۳ ق.

-----، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین، تحقیق: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، دارالکتاب، قم، ۱۴۱۳ ق.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

ابن ماجه، حافظ ابو عبد الله محمد، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفکر، بیروت.

ابن مغازلی، علی بن محمد، مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام، سبط النبي، بیروت، ۱۴۲۶ ق.

باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

حاکم نیشابوری، حافظ ابو عبد الله محمد، المستدرک، دار المعرفة، بیروت.

حلی، رضی الدین علی بن یوسف، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، قم، ۱۴۰۸ ق.

ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

رازی، محمد بن حسین، نزهة الکرام و بستان العوام، تصحیح: محمد شیروانی، باقر، تهران، ۱۳۶۱ ش.

رسی، قاسم بن ابراهیم، الكامل المنیر فی اثبات ولایة امیر المؤمنین علي بن ابي طالب عليه السلام، تحقیق: عبد الولي یحیی الهادی، دلتا، بیروت، ۱۴۲۳ ق.

رفیع پور، فرامرز، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۴ ش.

صدوق، محمد بن علی، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.

طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

طبری آملی کبیر، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، تحقیق: احمد محمودی، کوشانپور، قم، ۱۴۱۵ ق.

فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، رضی، قم، ۱۳۷۵ ش.

محمدی مهر، غلامرضا، روش تحلیل محتوا، گنجینه علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۴ ش.

موحدی، محمد علی، ناگفته‌هایی از اسناد خطبه غدیر، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۳ ش.

نسائی، احمد بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین عليه السلام، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران.

پایان نامه‌ها

حسینی زاده، سیده زینب، «تحلیل محتوای خطبه غدیر»، استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده، استاد مشاور: محمد عترت دوست (جانی پور)، دانشگاه الزهراء علیها السلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۵ ش.

مقالات

جانی پور، محمد، «کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم حدیث»، رهیافت‌هایی در قرآن و حدیث، شماره ۹۸، ۱۳۹۶ ش.

جانی پور، محمد و شکرانی، رضا، «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.

جانی پور، محمد و فتاحی زاده، فتحیه و حسینی زاده، سیده زینب، «تحلیل محتوای سه خطبه غدیر با رویکرد لایه‌شناسی مضمونی»، مطالعات فهم حدیث، شماره ۸، ۱۳۹۷ ش.

تبيين الهيكلية الهندسية للخطب الغديرية الثلاث مع الاستفادة من المنهج التحليلي في الكلام

محمد عترت دوست^١ / فتحيه فتاحي زاده^٢

سيده زينب حسيني زاده^٣ / محمد رضائي مقدم^٤

الخلاصة:

تعدّ خطبة الغدير من أهم خطب النبي الأكرم ﷺ الذي ألقاه في جمع كثير من المسلمين في السنة العاشرة من الهجرة، وتشتمل على رسالات مهمة من حقيقة الدين الإسلامي، وأركانه الأساسية كالإمامة والولاية.

إنّ دراسة محتوى هذه الخطبة العظيمة التي وردت في ثلاث نقولات مختلفة لغرض الوصول إلى فحوى محتوى كلام النبي ﷺ تفتقر إلى الاستفادة من الطرق التحقيقية المعتبرة، المتعددة الأغراض، وبمحورية النص، القابلة لتجزية النص بدقة، ورسم الأهداف العامة للنص.

هذه المقالة من خلال الاستعانة بمنهج «تحليل المحتوى» يسعى إلى تحليل كل تقرير من هذه التقارير الثلاثة، ثم بالاستعانة من تكنيك «تحليل المحتوى الكلامي» ترسم الهيكلية الهندسية لكل واحدة من هذه التقارير للمقارنة التطبيقية.

تستنتج هذه الدراسة أنّ هذه التقارير الثلاث مع وجود التشابه الكبير فيما بينها، إلا أنّها من حيث المحتوى متشابهة جداً، وتؤكد على مضامين ومقالات خاصّة وثابتة، ممّا يمكن أن نرسم لها هيكلية هندسية واحدة. ومن المعلوم أنّ من نتائج هذه الدراسة هو عدم وجود الريب في أصالة واعتبار هذه الخطبة الغديرية.

المفردات الأساسية: خطبة الغدير، ولاية أمير المؤمنين عليه السلام، أسلوب تحليل النص، الهيكلية الهندسية.

١. أستاذ مساعد في جامعة الشهيد رجائي لتربية المعلمين، قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، في

طهران، إيران: Etratdoost@sru.ac.ir

٢. أستاذ مساعد في جامعة الزهراء عليها السلام، قسم علوم القرآن والحديث، في طهران، إيران:

f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir

٣. طالبة ماجستير في جامعة الزهراء عليها السلام، قسم علوم القرآن والحديث، في طهران، إيران:

zhosseini@yahoo.com

٤. طالب ماجستير في جامعة الإمام الصادق عليه السلام، قسم علوم القرآن والحديث، في طهران، إيران:

rezaieo133@gmail.com

Delineating the Geometric Structure of the Three Ghadir Khumm Sermons: A Categorical Content Analysis Approach

Muhammad Etratdoust¹ / Fathiyyeh Fattahizadeh²
Sayyideh Zaynab Hoseinzadeh³/ Muhammad-Rezaei moqadam⁴

Abstract

The Ghadir Khumm sermon of the Prophet Muhammad was certainly a highly significant speech that he delivered before a large crowd of Muslims in 10 AH/ 632. It contains important messages regarding the real character of Islam and its constituting elements, including imamate and vicegerency. Handed down in three wordings slightly at variance with one another, a content analysis study was conducted on each of the three versions so as to get to the essence of their messages. This was followed by categorical content analyses so that the geometrical structure of the content of each sermon is uncovered. Albeit some minor variations, they are in complete agreement with each other, hence mutually subject to being merged within each other. The resulting text proves the authenticity and validity of the three versions.

Key words: The Ghadir Khumm Sermon, Imam Ali's vicegerency, content analysis method, categorical analysis, geometrical structure.

1. Assistant Professor of Department Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. [Email: Etratdoost@sru.ac.ir](mailto:Etratdoost@sru.ac.ir)

2. Professor of Department of Qur'an and Hadith Department, Al-Zahra University, Tehran. [Email: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir](mailto:f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir)

3. M.A. in Qur'an and Hadith, Al-Zahra University, Tehran. [Email: zhosseini@yahoo.com](mailto:zhosseini@yahoo.com)

4. M.A. in Qur'an and Hadith, Imam Sadegh University. [Email: rezaiemo133@gmail.com](mailto:rezaiemo133@gmail.com)